



بالاخره تکلیف چیست؟

آیا باید گذاشت که ویرانی و تباهی بشدت خود برسد؟

ادهمی

سال گذشته در اثر سستی و غفلت متصدیان امور، بحران و ازهم پاشیدگی، وضع اجتماعی ما را تهدید میکرد عده ای از جوانان که از بیحالی و اهمال مسئولین امور و «جبراً» بستوه آمده بودند، دست با اقداماتی زده و عده ای را برای شرکت در انتخابات «حبرائی» صبیح تری بقیه در صحنه ۴

کار انتخابات یهودیان بکجا کشید

رها سازد نصیب تیره بختان جامعه کشته آنها را از فقر و بدبختی آزاد گرداند با اینکه شنیدیم فلان آقا برای اینکه در انتخابات بند و بست و زد و بند انتخاباتی ارتبه دوم را حائز گردد مردم بقیه در صحنه ۲

گرچه برای افراد ترقیخواه و اصلاح طلب یهود، بود و نبود این جریان که نام «انتخابات» بر آن نهادند یکسان و بلکه عدم آن بهتر از وجودش میباشد با اینکه فساد این جریان از حد گذشته بندوبست هایی که برای تشکیل انجمن نظار بعمل آمد - خرید و فروش هایی که روی آراء انجام شد - تقلباتی که روی شناسنامه هایی بنام «مضار ولد حسن» ها بکار رفت برای هر بینه مکتبی روشن گشت با وجود این در پایان انتخابات تهران انتظار میرفت این پرده شوم و غم انگیز هر چه زودتر به آخر رسد و اجاز و کرامات پیغمبری که از آن طرف اقبانوس ها دلش بحال ملت سوخته و میخواد هر چه زودتر خود را به این سرزمین برساند و مردم را از هم هجران

سوگوت

یا عید خیمه ها

باقدری دقت میتوان آن حوادث و تحولات را پایه ای از بنای تمدن قوم یهود در زمان خود دانست. متأسفانه طول زمان و گذشت تاریخ و وقایع ناگوار و اسارت و جنگ قبه در صحنه ۴

سنن، رسوم و آداب ملل اغلب حاکی از بروز حوادث یا تحولاتی است در طول تاریخ آن ملل. اعیاد که مبین طرز تفکر و سوابق تاریخی اجتماعات میباشد یادگاری از وقایع تاریخی است که در زمان مخصوصی از تاریخ ملت یا قوم رخ داده است.

عید «سوگوت» یکی از اعیاد مهم مذهبی اسرائیل است که تعمق در واقفیت آن بسی حوادث و تحولات اجتماعی زمان معینی را حکایت میکند

پررنگترین و باشکوه ترین شب ششمین سال در سالن مجالس زیبای هتل پالاس

بمناسبت عید سوگوت
تفصیح روزنامه اسرائیل

روز سه شنبه ۷ مهرماه ۱۳۲۶ از ساعت ۸ بعد از ظهر با شرکت ارکستر جولی بوز که در خاور میانه بی نظیر است و عده ای از بهترین هنر پیشگان و نوازندگان رادیو با برنامه متنوع و سرگرم کننده و انواع و اقسام وسائل تفریح و رقسمای غریب و شرقی - ترانه های مجلسی پیش برده های فکاهی و غیره

با خرید یک بلیط میتوانی شبی رادیو ایام موعده بخوشی و نشاط بگذرانید و نیز یهود چهار روزنامه ملی خود کنکئی بمانید. بهای بلیط ورودی برای یک نفر ۷۰ ریال

محل فروش بلیط - نمازخانه ای - خیابان نادری رو بروی بیمارستان شوروی نمازخانه مترو - نادری رو بروی بیمارستان مشاهده نمودند که فقط یک پنجم سر نشینان این کشتیها، یهودی و چهار پنجم آن سربازان انگلیسی هستند. مهاجرین میکشند: خون با نفت ممزوج نمیشود با وجود تمام زحمات و مشقات غیر

ترجمه م. حکیمی

نقل از «داوار هفتگی» چاپ فلسطین

پیشنهادات کمیته تحقیق مال مفتی درباره تحقیق

را دارند و هر گاه مدت موقت از دو سال بیشتر شود مهاجرت سالیانه بالغ بر شصت هزار نفر خواهد بود. آژانس یهود مسئول تنظیم امور مهاجرت است و محدودیت هایی که راجع بقوانین وضع نموده در این دوره موقت ملغی خواهد شد. بقیه در صحنه ۳

فلسطین بدو کشور طبق این تقسیم «کابل شرقی» و دره «ابراهل» و اکثر دشت های ساحلی و تمام استان «بارشوع» که کلیه «نکو» جزو آن است شامل کشور یهود خواهد بود.

کشور عربی فلسطین عبارت خواهد بود از «کابل غربی» و تبه «شومرون» و «یهودا» و دشت های سواحل جنوبی از «اشدود» تا مرز مصر بجز شهر اورشلیم. سه منطقه کشور یهودی با سه منطقه کشور عربی در دو نقطه که هر یک چهار ای را تشکیل میدهند بهم مربوط خواهند شد یکی از این نقاط در جنوب شرقی عتولا و دیگری در جنوب شرقی مجدل قرار میگیرند.

جامعه هر کشور حکومت موقتی بوجود می آورد هر یک اعلامیه ای صادر خواهند نمود که متضمن آزادی اساسی بدون هیچگونه تبعیض نسبت بطرفین بوده و همچنین قرار داد اتحاد اقتصادی را امضاء خواهند نمود بد از عملیات مزبور و امضای قرارداد، آزادی و استقلال هر کشور رسیت خواهد یافت. و چنانچه فقط یکی از دو کشور، واجد شرایط مزبور گردد، آنگاه سازمان ملل متفق درباره اقدامات ایشان تصمیم خواهد گرفت.

در طی این دوره موقت، یعنی حکومت دو ساله، یکمصد و پنجاه هزار یهودی اجازه مهاجرت بقسمت یهودی نشین فلسطین، بامیزان ماهیانه متساوی

ترجمه م. حکیمی

نقل از «داوار هفتگی» فلسطین

مهاجرین ۴۵۰۰ نفری اروپائی

مهاجرین باز مراجعت خواهند کرد!

قابل توصیف برای تقویت روحیه خود سرود ملی یهود «متیکرا» میخوانند.

مستر بوین مانند نهنک، درباره سرنوشت مهاجرین اشک ریخت. و بر علیه اشخاصیکه وسایل مسافرت آنها را بفلسطین با شرایط بد و در کشتیهای خراب فراهم میکنند اظهار انزجار نمود. بنا بر این خودش شرایط رضایت بخشی (۱) را برای برگرداندن این مهاجرین بچاره از فلسطین، عملی کرد. یعنی با قفس های آهنین هزاران اشخاصی را که از سرگردانی خسته شده بودند با زنان باردار و اطفال در همان جاهای تنگ قرار دادند. مهاجرین مزبور در طی این مدت در مقابل گرمی آفتاب و باد و باران بدون پناهگاه مانده اند. بوین تصمیم گرفت که دو مرتبه ایشان را بکشور خوببار آلمان برگرداند.

احکام و قوانین تورات

در میان تو کسی یافت نشود که پس یادختر خود را از آتش بگذراند و نه فالگیر و نه غیب گو و نه افسونگر و نه جادوگر و نه ساحر و نه سئوال کننده از اجنه و نه کسیکه از مردگان مشورت میکند - زیرا هر که این کار ها را کند نزد خداوند مکروه است. (سفر تثنيه باب ۱۸ از آیه ۱۰ الی ۱۳) سرد آورنده عزت الله دلچجانی



هاشور سیان مندرله کشور یهودی نشین را نشان میدهد

دکتر کهن

بیماری سوزاک و چگونگی ابتلا بآن

باعتوجه نمودن افراد جامعه با اصول اجتماعی - اخلاقی - بهداشتی و تشویق جوانان بزناشویی، میتوان از شیوع بیماریهای آمیزشی جلوگیری نمود

بقلم آقای سالم دیانزاده

مقاله وارده

(بلائی سوء ظن)

هر کس کم و بیش در جریان و پیش آمد های زندگی خویش گرفتار کسالت سوءظن بوده و نا راحتی آنرا چشیده است. ببینیم اولاً سوءظن خوب چیزی است باید؛ و ثانیاً پیدایش آن از کجاست. البته سوءظن چیز خوبی نیست بدگمانی بسیار بد است - موجب ناراحتی جسم و جان است.

مقالاتی نوشته و آنهارا از عوائب و خیم اینگونه بیماریها که باعث خرابی و نا بودی نسل آئینده میشود مطلع نمایم ما با اینکه در هر شماره این روزنامه يك يا چند ستون را اختصاص به مطالب بهداشتی داده ایم و همیشه سعی کرده ایم مطالب سودمند و مفیدی برای خوانندگان خود تهیه نمایم مداخلات از دوستان و همکاران محترم نیز تقاضا داریم که در ارسال مقالات و ترجمه مطالبی که بنظرشان مفید می باشد در صحنه ۳

رهبر سازمان ایرگون

روح و روان را معذب میدارد - استراحت و آسایش را از انسان سلب می نماید. رفته رفته حالت مالی و هیولایی پیدا میشود و احبابا ممکن است به جنون منجر گردد.

رویتر - رهبر سازمان تروریستی
یهود (ایرگون زوای لئومی) در نزدیکی (ناتالیا) دستگیر شد.

خلاصه ابتلا عیبی است و اسارا

بقلم بانو هما ملایم

جوانی را فدای پول نکنید

است با همه گرانی، خودارزان تمام کنید تا زندگی دشو روا ممکن ناپدید نگردد چه خوب بود ما که شیرین ترین زندگی گمانی خود را فدای فرزندان خود نمینماییم در مواقع ازدواج آنان هم اشکالتراشی نمی کردیم و با دست خود آنها را - بورطه بدبختی گرفتار نمیدادیم - راستی اگر فرزندان ما بی بهاله قدم بجهلمه میگذاشتند و روشنتر از گور شب چراغ در برامون خویش اروع مهر و محبت میباشانداده کسی از دست کسی فریاد ادا داشت - کسی تفکر نکند بیاید و به پیشد که بر سر این بقیه در صحنه ۲

مقاله وارده

یک افسر روسی در فلسطین کشته شد

والدین محترم ازدواج فرزندان را بیای بند تشریفات ندانید ممکن است پسران و دختران را بدون مال و جیبز زیاد بخواستارانشان تسلیم نمایند - ازدواج را که مملو از مسرت و در کز حیات

داد و بیت اله مقدس - یک افسر انگلیسی بوسیله ۶ تن از راهزنان عرب قتل رسید.

اخبار فلسطین

کمیسیون تحقیق در باره فلسطین مسائل اساسی راه-مورد بحث قرار خواهد داد

نیویورک - رویترز - کمیته تحقیق که از یازده نفر اعضای سازمان ملل متفق مرکب از نمایندگان دول متوسط و کوچک تشکیل شده انتظار می رود بیضی از اشکالات را برای شروع اولین مرحله مذاکرات عملی روز بیست و ششم ماه مه مرتفع نماید.

گذشته از این کمیته نامبرده فلسطین رفته و تا قبل از اول ماه سپتامبر که روز تشکیل جلسه آتی به مجمع عمومی ملل متفق می باشد گزارش دقیقی از اوضاع فلسطین تهیه خواهد کرد.

مسائل اساسی که مورد مطالعه قرار خواهد گرفت عبارتند از اول امکان تشکیل یک دولت دولتی که در آن اعراب و یهودیها حقوق مساوی داشته باشند دوم اگر تقسیم فلسطین تنها راه حل باشد چه قسمت آن باید به یهودی ها داده شود.

سوم - آیا فلسطین ظرفیت پذیرفتن یهودیهای بیشتری از اروپا را دارد و اگر دارد به چه اندازه.

چهارم - چگونه می شود منافع اقتصادی و سوق الجیشی انگلیس را در آتی در فلسطین تضمین نمود.

موضوع فلسطین در آمریکا

رادیو خاور نزدیک - مستر ماهیور معاون وزارت امور خارجه انگلیس در مجلس عوام انگلستان اظهار داشت که دولت انگلستان چندین باره با دولت آمریکا فرستاده که بر ضد فعالیت مؤسسه صهیونیهای آمریکا می باشد که برای ادامه مهاجرت غیرقانونی فلسطین اهانه هائی جمع مینماید.

ولی تا بحال جوابی از آمریکا دریافت نشده است.

اخبار نیویورک حاکی است که نمایندگان کشور های عربی پیوسته مشغول بررسی موضوع کمیته تحقیق اوضاع فلسطین می باشند که آیا دول عربی در آن شرکت کنند یا خیر.

دکتر فاضل جمالی وزیر امور خارجه عراق هم در این باره اظهار داشته که نمیتواند فعلا اظهاری بنماید ولی انتظار می رود قبل از روز ۲۶ ماه مه که کمیته مزبور اولین جلسه خود را تشکیل میدهد این روبره معلوم گردد.

از نیویورک اطلاع می رسد که مؤسسه یهود اعلام داشته که حاضر است با کمیته تحقیق فلسطین همکاری بنماید.

جلسه شورای عمومی سازمان ملل متفق

رادیو خاور نزدیک - شورای عمومی سازمان ملل متفق در نیویورک جلسه خود را منتهی نمود.

مستر (لی) دبیر کل سازمان ملل متفق در این جلسه اعلام داشت که سازمان ملل متفق در حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر از کارمندان خود را انتخاب خواهد نمود که با کمیته تحقیق اوضاع فلسطین همکاری کنند.

کارمندان مزبور تحت ریاست یکی از معاونین (مستر لی) انجام وظیفه خواهند کرد.

دکتر فاضل جمالی وزیر امور خارجه عراق اظهار می کند که از این عمل که ذکر کردیم از استقلال فلسطین در گزارش مربوط نشده است جهت انتقاد کرد و گفت نمایندگان دولت عراق در هر صورت بر علیه پیشنهادات کمیته تحقیق رای خواهند داد.

سپس گرومیکو نماینده شوروی لغتی ایراد کرد و سیاست انگلستان

رادیو فلسطین و موضوع قیمومیت در این کشور را مورد انتقاد سخت قرار داده و گفت باید کمیته تحقیق اوضاع فلسطین شورهای سابق و شورشیهای فعلی کشور فلسطین را مورد نظر قرار دهد و تصمیمات لازم را اتخاذ نماید.

گرومیکو سپس گفت: سازمان ملل متفق نمیتواند اوضاع بدو خراب یهودیها را در اروپا نادیده تلقی کند.

بخصوص اینکه (۶) مایون یهودی در اروپا بدست نازیها تلف و نابود شده اند.

گرومیکو سپس اظهار داشت: هیئت نمایندگی شوروی متقدست که هیچگونه راه حلی برای قضیه فلسطین پیدا نمیشود مگر اینکه استقلال فلسطین قبل اعلام شود و میتوان بوسیله اعلان چنین استقلالی همکاری بین اعراب و یهودیها را تأمین نمود.

رادیو لندن - گرومیکو نماینده شوروی در نطق مفصل خود گفت که اکنون چهار راه زیر برای حل قضیه فلسطین بنظر می رسد:

۱- ایجاد یک دولت عربی در فلسطین.

۲- تقسیم فلسطین بدو قسمت یهودی و عربی.

۳- ایجاد یک دولت عربی در فلسطین مشروط بر اینکه به یهودیها نیز حقوقی در این دولت داده شود.

۴- ایجاد یک دولت یهودی مطلق در فلسطین.

ولی از هم اکنون میتوان گفت که ایجاد یک دولت عربی یا یهودی مطلق در فلسطین غیرممکن میباشد.

در این صورت ایجاد یک دولت مختلط که از اعراب و یهود در فلسطین تشکیل شود راه حل بهتری خواهد بود تا هر یک از دو ملت یهود و عرب بتوانند از حقوق شرعی خود در این کشور استفاده نمایند.

باین ترتیب دیده میشود راه تقسیم فلسطین عملی خواهد بود.

گرومیکو سپس اضافه نمود که آئینده ملت یهود متوقف بر حل قضیه فلسطین است و سازمان ملل متفق هم نمیتواند در مقابل آئینده ملت یهود ساکت بنشیند و بار کمیسی نکند سپس جلسه تعطیل شد.

استقبال از تقاضای (یونو) سازمان ملل متحد

سازمان یهودی با اشاره بتقاضای یونو برای رعایت آرامش در فلسطین تا موقع اخذ تصمیم اظهار کرده اگر دولت انگلستان حاضر بیرون رفتن تقاضای سازمان ملل متحد باشد آنوقت سازمان مغربی یهودی نیز موافقت خواهد کرد. وی در اظهارات خود همچنین گفت که اگر دولت انگلستان باز مهاجرین یهود را از فلسطین بیرون راند یا بر خلاف قانون بازداشت نماید یا محدودیت جنگی یهود را بقتل رساند مسئول تقصیر تصمیم ملل متحد و این عواقب حتی الوقوع این من افسوس خواهد بود.

ستون بانوان

ما با وجود اینکه در شماره های قبل نیز تذکر شده ایم؛ امولا مخالف با عدم تساوی حقوق زن و مرد هستیم و در این باره در شماره های آتی بطور مشروح عقیده خود را اظهار خواهیم داشت لیکن همانطور که وعده نموده بودیم نامه های رسیده مهم از موافقان و مخالفان را بدون هیچگونه اظهار نظری درج و بنظر خوانندگان گرامی میرسانیم تا بدین وسیله خواهران و برادران خود را تشویق نموده که در وضع اجتماعی زن و مرد مطالعات بیشتری نمایند.

مسلم است از برخورد عقاید موافق و مخالف حقیقت امر بهتر مکتشف خواهد شد.

اینکه بدرج مختصری از نامه آقایان که در پاسخ دوشیزه مراد پور رسیده می نمایم و جواب آنها را عجلالتا بخود خانمها واگذار می کنیم.

پاسخ بدوشیزه مراد پور

باشگاه خواهران تشکیل و اکنون هم با گامهای استواری بخدمات اجتماعی خود ادامه میدهند.

باینکه مردان همیشه در تلاش زندگی هستند و خواهران ما از این جهت آسوده اند و بالتبعیه وقت زیاد تری برای اینگونه خدمات ملی دارند از شما می پرسیم چرا در این چند سال فقط یک دسته از خواهران ما شروع بکار نموده اند در صورتی که دستجاتی که توسط مردان تشکیل شده بشمارند و آمار آنها را بخود شما محول میدارم و با اینکه اکثر این دستجات به تفاوت پس از مدت کم وزیادی از این رفته اند جای بسی خوشبختی است که باز هم از مردان چنین فعالیت های آشکار شده است ولی از شما چه !!

پس بعقیده بنده باید اول محیط را مساعد ساخت و بعد صحبت از تساوی حقوق زنان و مردان را در میان آورد. امیدوارم بنده را هم مانند آقای دکتر «ت» مورد نیش فلم قرار نداده و این گستاخی بنده را عفو می فرمایید.

آقای الف - حکیمه

پاسخ بدوشیزه م: مراد پور بخوانند کان محترم، وز نامه اسرائیل

ودوشیزه م توصیه میکنم قبل از خواندن این مقاله نظری بشماره هلته پیش بیندازند و مقاله دوشیزه م مطالعه و به بینند چقدر در نویسنده گی مبالغه وزیاده روی کرده اند: گرچه تقصیر ایشان نیست همانطور که بعضی از خانمها در تواتر و یا در کوتاهی دامن و خلاصه توقعات زنانه مبالغه وزیاده روی میکنند: نویسنده هم در نویسنده گی خود مبالغه کرده است.

دوشیزه محترمه بنده صد درصد با فکر آقای دکتر «ت» مخالف هستیم می توانم اذعان کنم که در این دوره تمدن زنان با مردان دارای حقوق مساوی هستند ولی شما خود را بالا تر از آنچه در نظر است حساب کردید از جمله از «بانوان بالا تر از آنند که بسا مردان دارای حقوق مساوی باشند» بسیار تعجب کردم در جای دیگر داستان شیرین قدیم اسرائیل را شرح دادید و از زبان زر و سابل قلم سراسامی کرده و با استدلال اینکه «پادشاه از کی بوجود آمده آیا نه از زن» درجه زن را بالا تر میدانید.

میخواهم بدانم زن از که بوجود آمده آیا نه از مرد آن زن یا هیچ زنی بنهایی قادر همت ظلمی بوجود آورد؟

آقای «مکاشی»

دانش آموز سال ششم طبرد طبیعی نامه بعنوان بالا از عقیده آقای دکتر «ت» دفاع نموده و دلالتی در رد نوشته دوشیزه مراد پور آورده اند چون در این باره مخالف مبسوطی درج شده نمونه نوشتن آت مقرر نشد.

مقاله آقای دکتر «ت» روح حساس مادران و خواهران ما را آزرده ساخته و از قرار معلوم بروی مبارکشان گران آمده است. و این نکته از جواب هائی که خانمها بایشان داده اند کاملاً آشکار است.

گرچه مایل نیستم در جزئیات این موضوع مهم یعنی (تساوی حقوق زنان با مردان) کاملاً بحث کنم ولی این نکته کاملاً آشکار است که زن و مرد هیچگونه اختلافی چه از لحاظ ساختمان کلی بدن و چه از لحاظ صفات عمومی ندارند و تنها طرز پرورش آنها است که ممکن است یکی را لطیف و حساس و دیگری را خشن و قوی بار آورد. البته طرز پرورش این دو موجود مدتهاست که در ممالک متدین بر روی یک اصل تساوی قرار گرفته و بالتبعیه همانطور که نوشته بودید در آن ممالک حقوق زنان و مردان یکی است و حتی در بارلمان های آنها زنان نابینا و عیال بیساری از مردم هستند و همچنین در کلیه شئون اجتماعی حتی در این جنگ عالم سوز اخیر دوش بدوش مردان بکار و فعالیت پرداختند. ولی با این وصف ترقیات زنان در ممالک متدین در برابر مردان قطره ایست از دریا. ولی آیا شما فکر می کنید که در این محیط باید حقوق زنان و مردان یکی باشد. از شما می پرسیم آیا طرز پرورش این دو موجود در این محیط یکی است؟ گذشته از عده بسیار معدودی که انگشت شمار هستند) آیا زنان ما در کدام قسمت از کارهای اجتماعی با مردان مساعدت میکنند که قابلیت تساوی حقوق با مردان را داشته باشند. البته متکرر تساوی حقوق زنان و مردان نیست ولی در محیطی که مردم آن قابلیت این تساوی را داشته باشند و بتوانند از آزادی و تساوی حقوق خود به بهترین وجهی استفاده کنند. پس عقیده آقای دکتر «ت» کاملاً در این محیط صدق میکند و تا ما اینطور بره رش میبایم همین آتش است و همین کاسه.

دوشیزه محترمه: جای بسی تعجب است که شما در آخر مقاله خود دستانت مثالی از این محیط آورده اید و کانون بانوان و باشگاه خواهران را بر خ مسا کشیده اید و نوشته بودید که: «د همین در محیط خودمان نیز بانوان دوشیزگان اسرائیل ثابت کرده اند که لایق تر از آنند که مردان این گونه عقاید را در باره آنان ابراز دارند زیرا در این چند سال اخیر چندین کانون، باشگاه و دسته ها تشکیل شد و یکی پس از دیگری رفتند ولی یک باشگاه خواهران و یک انجمن بانوان تشکیل شد و هنوز برقرار و قدم های سریعی برای ترقی خود و برادران خود بر میدارند.»

متأسفانه باید با کمال احترام عرض کنم که کانون بانوان از یکجمله رانف محترم خارجی تشکیل شده و به محیط ما مربوط نیست، و درست است که دستجات متعددی توسط مردان تشکیل شده و از این رانفد ولی لغواشته اید بداد هم اکنون دستجاتی هستند که مدتها قبل از

در راه تأمین وحدت ملی

بقیه از صفحه اول

از این اسناد تاریخی و هزاران مدارک انکارناپذیر دیگر بخوبی می توان دریافت که جامعه یهود ایران از بسا افرادی که اکنون سنک ایرانی بودن را بینه میکوبند و بطور آشکار و مغفی مارا مورد توهین و تحقیر قرار میدهند ایرانی تر بوده در این مرز و بوم سوابق طولانی تری دارند من نمیخواهم در اینجا مسئله ملیت را مورد بحث قرار داده شرایطی را که میبایستی جوامع مختلف داشته باشند تا یک ملت واحدی را تشکیل دهد تجزیه و تحلیل نمایم ولی هیتقدر متذکر میشوم که داشتن تاریخ مشترک، منافع اقتصادی - زبان عادات و رسوم مشترک جزو شرایط اولیه ایجاد یک ملت است باین ترتیب آریسا میتوان جامعه را که از ۲۰ قرن در این کشور سابقه تاریخی دارد.

مردی را که حوادث عرب - مغول افغان و هزاران پیش آمده های این دوران ممتد مانند سایر افراد ملت ایران و بلکه بیش از بعضی از آنها تحت تاثیر قرار داده است جدا از ملت ایران تصور نمود؟ آیا یهودیان ایران با سایر افراد ملت ایران در شرایط واحد اقتصادی و سیاسی واقع نشده اند - دارای زبان مشترکی نیستند -

باین وصف درین هموطنان ما افرادی را میتوان یافت که نسبت به جامعه یهود ایران احساسات و نظریات خاصی ابراز میدارند - احساساتی که از آن بوی جدائی و نفاق پشام میرسد - مثلاً فلان آقای که در دستگاه دولت مقام مؤثری را دارد - و یکی از رانندگان برجسته حزبی است که ادعای طرفداری از دموکراسی را مینماید در برنامه خود حقوق مساوی برای کلیه افراد ملت ایران صرف نظر از نژاد و مذهبشان قائل شده است در باره یهودیان ایران همان تقاضای را میکند که «روز تبرک مرحوم» برای موجه نشان دادن فعالیت و آدم کشی نازیها بر اساس آن «کتابها» نوشته و «تئوریهای نژادی» خود را ساخته و پرداخته بود - این آقای سر نوشت هزاران نفر افراد هرگز کشور و من جمله متجاوز از ۲۰ هزار نفر یهودی آنرا در دست دارد در ضمن بحثی که راجع بانتخابات یهودیان تهران باوی بعمل آمده است جامعه ما را در ردیف «کلاه برداران و حقه بازان» قرار داده و معتقد بوده است که «دو ملت دنیا را بسر انگشت خود می چرخانند یهود و انگلیس»

ما کاری با این موضوع نداریم که این اظهارات از کجا سرچشمه میکنند و در این بحث وارد نمیشویم که این روزها قطعاً اطان کار ایشان مرگ رجوع دلالتان است و اینگونه تصورات بملت برخورد و ملاقات با اینگونه افراد معلوم الحال که نه تنها در جامعه ما بلکه در سایر جوامع نیز فراوان دیده میشوند در مغز تجربه دیده و بیخته ایشان سوخ نموده است. ما نمیخواهیم بگوئیم که این (رجل محترم) از طرف آنها کی انتخابات یعنی حساسترین سر نوشت جامعه ما را مانند سایر کلاهی تجاری مورد معامله قرار داده اند نادرستی دیده و کلاهی بر سرشان رفته است و بالتبعیه صدیانی شده حقه بازی و تیرنگ آنان را بحساب جامعه یهود گذاشته اند مقصود ما از طرح این بقیه در صفحه ۳

چندیت باره اشخاص گننام از تصنیف های اینجانب بدون اجازه و اطلاع بوسیله دستنگاهای مخصوص در صفحات ضبط نموده اند اینک بدینوسیله به اطلاع دارندگان دستنگاهای ضبط صوت و موم ارباب دون میرساند که بنانچه بدون اطلاع و اجازه کتبی خود اینجانب ضبط تصنیف های اینجانبی که از ساخته های اینجانب میباشد مبادرت ورزده شدیدا تعقیب خواهند شد. ش - ۱۰۴

عبدالله طالع همدانی

ما بارها گوشزد نموده ایم که از تذکر بعضی از نواحی خود هیچگونه فرض خاصی نداشته و نظری جز بهبود اوضاع فرهنگی و بهداشتی مردم نداریم. متأسفانه در یکی دو بار که در خصوص مدرسه اتحاد چیزی نوشتیم و مطالب آنرا با کمال حسن نیت بنظر اولیاء امور رساندیم لایه و بی مهری از جانب ایشان نشدید، حتی وقتی یکی از مخرجین ما برای اطلاع از تئوری و فصولی که جدیداً در مدرسه ایجاد شده و این نیز مورد نهایت خوشوقتی ما است (امیدواریم در آتی نزدیک نیز ضمن مقاله ای مشاهدات این خبرنگار را درج کنیم) به آنجا رفته و شکایات رسیده را از شهبزستانها با ایشان ارائه داشته باعصابیتی که حاکی از کم حوصلگی است رو بر او شده و در این زمینه نیز برای رفع هر گونه نقصی در دستگاه فرهنگی ما قول مؤکد داده اند. اولی متأسفانه چنانچه از نامه های وارده از شهبزستانها مخصوصاً اصفهان هویدا است کثرتین تئوری نه در زمینه مسئولین امر و نه در وضع داخلی آنجا رخ داده است. اینک یکی از این نامه های رسیده را بدون تغییر دادن آن جهت اطلاع اولیاء امور درج تا بهتر از پیش ببرد دل مردم آشنائی پیدا کرده واقفان را ملول دارند.

جریده محترم اسرائیل

- ذیلا از رفتار و عملیات آقای اراها که در اصفهان فوغامی برپا کرده مضمصری پمرض میرسانم:
۱- در شهریور ماه ۱۳۲۴ آقای وینکتور اراها از ریاست دبستان نیرو بدبیرستان اتحاد اصفهان منتقل گردید.
۲- پس از یکی دو ماه از آغاز ریاست خود دبیران و آموزگاران غیر یهودی آموزشگاه را تحریک نمود که برای افزایش حقوق اعتصاب کنند و پس از مذاکره با انجمن شهبزیه بنی اسرائیل بودجه معینی در اختیار آقاسی اراها گذارده شد که بکلیه کارمندان آموزشگاه افزوده شود ولی ایشان پیمانه آنکه کارمندان اسرائیل در اعتصاب شرکت نکرده اند فقط حقوق کارکنان تحریک شده غیر یهودی را اضافه نمود و معلمین اسرائیل را از حق خود محروم کرد.
۳- در آخر سال تحصیلی ۲۴-۲۵ شنیده شد که بهمان مدینه مذکور مدتی معطلیانه کمک هزینه داده در حالی که کارمندان اسرائیل از آن محروم بوده اند.
۴- بعضی از آموزگاران اسرائیل را با داشتن سوابق تدریس و مدارک رسمی تحصیل اخراج و با آنقدر تحت فشار قرار داده که مجبور ستفا شدند.
۵- چند نفر از جوانان و دوشیزگان دبلیه اسرائیل برای شغل آموزگاری بجای استعفا کنندگان معرفی شدند ولی درخواست شان پذیرفته نشد در صورتی که بعداً اشخاص دیگری مثل آقای ملک احمدی با گواهی نامه ابتدائی پذیرفته شدند.
۶- بهرآنکه افزوده و مستحق شهبانه روزی آموزشگاه با ۶ سر عامله ماهی ۷۰۰ ریال میدهد و او را کمک میزند. و مسائل تحصیل بچه های آن رنجبر را فراهم نمیکند بطوریکه با پای برهنه و لباس های پاره بکلاس درس میروند و یا بواسطه نداشتن لوازم تحصیل از آموزشگاه زرار کرده و در کجوسه ها سرگردان میشوند. بطوریکه بارها اینجانب آنها را حیران دیده و علت را پرسیده ام.
۷- یکی از آموزگاران آن آموزشگاه بنام آقای محمود مصلاشرب لگد پای یکی از دانش آموزان یتیم کلاس دوم دبستان را شکسته بطوریکه اکنون ۶ ماهست در بیمارستان امین بستری است و هیچ اقدامی برای مسامت این کودک بیچاره و جلو گیری از این گونه پیش آمدها نشده است.
۸- بافاقت جوانان روشن فکر مخالفت میورزد و از نمایش و سخنرانی در سالن دبیرستان اتحاد جلو گیری میکنند و بالاخره مانع پیشرفت جامعهی گردید.
صیون گرمانی زاده

توبیخ

اینجانبان داود شهبانی و داود طیبی که از طرف جماعت اسرائیل های رضاییه مأموریت جهت تقاضای کمک از برای تکمیل نمودن ساختمان آموزشگاهی که اخیراً زمین آن در اثر کوشش و همت جوانان کانون بهبودیاری و عملیات ساختمانی آن ناهم مانده است بپهران اهرام شده بودیم اکنون با اقتضامت مأموریت بدینوسیله به کلبه لیکوکاران و خیر خواهان اسرائیل که بیوسه در فکر ترقی و تعالی ملت بوده و میخواهند در های تلمود تورا و فرهنگ را بروی برادران و همکیشان خود بار نمایند خدا سافظی نموده و در قبال رحمت بی پایانیکه در حق اینجانبان بپول فرمودند سپاسگزاری و سعادت آنها را از درگاه ایزد متعال خواهانیم.

شهبالی - طیبی

ش ۱۶۶-۱

آگهی فوق که بنا بود در شماره قبل بجای برسد و به علت تراکم اخبار چاپ نگردد اینک بجای آن مبادون میشود.

بیماری سوزاک

بقیه از صفحه اول
رسد خودداری نکرده و برای تنویر افکار عامه همکاری بیشتری با روزنامه بنمایند. اینک بدون آنکه مادر اینجانب اسل ابتلا جوانان را به بیماریهای آمیزشی از نظر فقر اقتصادی جامعه و فساد محیط اجتماعی و عدم وسائل تربیتی مورد بحث قرار دهم آنها را از لحاظ بهداشتی از نظر خوانندگان گرام میگذرانیم.

البته جوانی که بسن رشد و نمو رسیده و شرایط پدر شدن را دارا گردید طرماً بطرف جنس مخالف خود متمایل گردیده و درصدد تهیه همسری برای خود برمیآید و وقتی بوانع و مشکلات طاققت فرسای زناشویی برخورد کرد از این عمل منصرف گردیده بادت باستمناء زده و آنقدر این کار را ادامه میدهد تا یکباره قوای روحی و جسمی اش تحلیل رفته و دیگر قابل استفاده برای زندگی نباشد و یا اینکه در اثر عدم معاشرت با دختران و نبودن وسائل تفریح و سرگرمی ها و ورزش بسوی فحشاء رفته در انسر نزدیکی با آنها مبتلا به يك يا چند از بیماریهای آمیزشی مانند سوزاک، شائکر، سلیس و غیره میشود که مایکی را پس از دیگری باجهال شرح خواهیم داد.

۱- سوزاک - سوزاک مرضی است عفونی و اجتماعی که بواسطه میکربی بنام گونو کوک بوجود میآید و بیشتر در مجرای بول استقرار میابد - بهرآنکه آنرا بلنورازی یا گونوره و شود بیس هم می نامند.

این بیماری را از چهار هزار سال قبل شناختند. مصریان و رومیان و ساسانی هم برای درمان آن در اختیار داشتند. در تورات چندین حسا صحبت از مرض سوزاک میشود و منع و نهی نزدیکی با زن در هنگام قاعدگی صرفاً از نظر بهداشتی و ابتلا بسوزاک می باشد.

مرکز سرایت سوزاک خانه فحشاء است و سزایت آن از طریق مقاربت صورت میگیرد مبتلایان باین بیماری با کمال مهارت بیماری خود را پنهان داشته و هر ساعت باعث ابتلا شخص سالمی میگردد. تا مدتی تصور میکردند جراحی که از مجرای بول خارج میشود زهرابه های سیفلیس است که نباید از آن جلو گیری کرد مبادا ماده بداخل بدن رفته و خطرناک گردد و این دو بیماری را بجهت و جسته از هم دیگر مجزا نمیدانستند ولی در نتیجه تجربیات و بررسیهای مختلفه مخصوصاً ترقی رشته میکرب شناسی واضح گردید که این بیماری شامل سه بیماری مهمی هستند که کاملاً از یکدیگر متمایز و مجزای می باشند و عوامل مولده شان نیز بخوبی شناخته شده و طرق سرایت آنها هم منحصر بمقاربت نمی باشد ولی بیشتر اوقات موضع اولیه بیماری و شروع علامت آن در اطراف اعضاء تناسلی است.

میکرب سوزاک همینکه بسطح داخلی مجرای بول راه یافت پس از مدت کمی بسرعت زاد و ولد میکند و بداخل گوشت مجرای فرو میرود و باعث تورم مجرای ادرار میگردد. معمولاً ۲۴ ساعت تا ه روز پس از سرایت آن بیماری که صبارت از سوزش و خارش داخل مجرا و خروج چرک است ظاهر میگردد و همین چندروزه است که بیمار ندانسته سوزاک را به همسر خود و یا باشعاع سالم دیگر تمویل میدهد. در نزد مرد اولین علامت حس خارش و گسری مختصری است که بدون هیچ دردی در دهانه مجرای ادرار پیدا میشود و برودی لبه های دهانه این مجرا قرمز و متورم میگردد. پس هم می چسبند و با مختصر فشاری يك قطره چرک سفیدرنگ شیری چسبناکی خارج میشود و بتدریج تغییر رنگ میدهد و پس از ۲ روز غلیظ تر شده و برنگ زرد مایل بسبزی در میآید.

میکرب سوزاک همینکه بسطح داخلی مجرای بول راه یافت پس از مدت کمی بسرعت زاد و ولد میکند و بداخل گوشت مجرای فرو میرود و باعث تورم مجرای ادرار میگردد. معمولاً ۲۴ ساعت تا ه روز پس از سرایت آن بیماری که صبارت از سوزش و خارش داخل مجرا و خروج چرک است ظاهر میگردد و همین چندروزه است که بیمار ندانسته سوزاک را به همسر خود و یا باشعاع سالم دیگر تمویل میدهد. در نزد مرد اولین علامت حس خارش و گسری مختصری است که بدون هیچ دردی در دهانه مجرای ادرار پیدا میشود و برودی لبه های دهانه این مجرا قرمز و متورم میگردد. پس هم می چسبند و با مختصر فشاری يك قطره چرک سفیدرنگ شیری چسبناکی خارج میشود و بتدریج تغییر رنگ میدهد و پس از ۲ روز غلیظ تر شده و برنگ زرد مایل بسبزی در میآید.

بنابراین تاثیر بیماریهای آمیزشی در روی سلامتی افراد و آتی آنان وحشی با زمانه گان آنها بعدی است که باید این بیماریها را یک نوع خطر اجتماعی تلقی کرد و برای اصلاح نژاد جامعه باید با آن مبارزه نمود مخصوصاً جلو گیری از شیوع آنها در بین جوانانیکه هنوز زن نگرفته اند دارای اهمیت زیادی است خوشبختانه مدت کمی است که در معاصر ازدواج گواهی نامه تندرستی داماد قبل از پیوند زناشویی باید ضمیمه سایر مدارک او باشد در اینصورت بامتوجه نمودن

پیشنهادات کمیته تحقیق

بقیه از صفحه اول
ساکتین دو کشور مجلس های شورای ملی تشکیل خواهند داد و تمام مردان و زنان از سن بیست بیلا حق انتخاب را خواهند داشت. طبق این پیشنهاد بایستی هیئت قانون گزار تعیین گردد تا انتخابات عمومی و مخفی توسط نمایندگان قانونگزاری انجام یافته و برحله عمل برسد. در این قانون دفاع اماکن مقدسه و ساختمان های مذهبی و حقوق اقلیت ها تامین گردیده و آزادی طرفین برای عبور از کشوری بکشور دیگر و سکونت در آن بدون هیچگونه تبعیضی آزاد باشد. نموده ای که بین یهودیان و اعراب منقذ میگردد باید اتحاد اقتصادی فلسطین را در آن بکنجاند این اتحاد عبارت است از اتحاد گمرکی و پول مشترک و اداره نمودن راه آهن ها و جاده ها و کاروانهای پست و تلگراف و بنادر خلیا و یافا همچنین این قرار داد تسهیلات مشترکی از لحاظ آبیاری و ترقی زمین های زراعتی و حفظ آنها برای طرفین ایجاد خواهد کرد.

شورای اقتصادی بسا اشترک سه نماینده از هر کشور سه عضو بیگانه که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متفق تعیین میشود تشکیل میشود و شرایط پیمان اقتصادی را اجرا خواهند نمود. شهر اورشلیم پس از خاتمه دوره موقت بحکومت پلیس بین المللی سپرده شده و از طرف سازمان ملل اداره خواهد شد. اورشلیم بیطرف مانده و حکومت آن توسط شورای امنیت سازمان ملل تعیین خواهد شد. حاکم مزبور له یهودی و نه عرب و نه از ساکتین اورشلیم خواهد بود.

دفاع از اماکن مقدسه و ساختمان های مذهبی در اورشلیم بحکومت مخصوصی تمویل داده میشود که در خارج فلسطین مأموریت یافته و اعضاء آن یهودی یا عرب نباشند.

افراد جامعه با اصول اخلاقی - بهداشتی و همچنین بسا تشویق جوانان بزنشویی میتوان از شیوع بیماریهای آمیزشی بمیزان قابل ملاحظه ای گاست

در اینجا لازم است تذکر بدهم بعضی از جوانانیکه مبتلا به بیماریهای آمیزشی میشوند به علت حجب و حیا از پزشك و ترس از والدین بیماری خود را مخفی داشته و بعضی اوقات بواسطه عدم اطلاع از وجود بیماری و شناختن علامت آن از مراجعه بپزشك خودداری مینمایند و کانون سرایت مهمی را تشکیل میدهند و بعضی هاهم متأسفانه با اینکه اطلاع کامل از بیماری خود و خطر سرایت آن دارند بروی خود ادامه داده و جامعه را مسئول بدبختی خود میدانند و برای اتمام از جامعه بهل جنایتکارانه خود ادامه داده و باعث ابتلا سایرین میگردند.

اینکه میگویند در اثر احتلام و یا شستوباسر اریکا توروی یا حوله و لنگ حمام مبتلا بسوزاک شده اند کمتر مورد تصدیق پزشکان است ولی گاهی دیده شده است ما در آن غیر مطلع که مبتلا بسوزاک بوده اند با زیر شلواری کثیف و آلوده خود که خواسته اند آلات تناسلی کودکان خود را پاک نمایند آنها را مبتلا بسوزاک نموده اند بهرحال با کشف بنی سلیس و سولامید ها امروزه مدارات سوزاک بسیار سهل و آسان گردیده و بنوعی میتوان از بروز عوارض شوم آن جلو گیری نمود.

اسیران

صاحب قیاس - مدیر سردبیر - دکتر گزین

بهای اشتراك { ۵۰ شماره ۱۰۰ ریال
اداره درحک و اصلاح و درج مقالات
وارده مختار است

موقتا هر دو هفته یکبار روزهای
پنجشنبه منتشر میشود

نشانی تلگرافی «اسیران» محل اداره تهران : سه راه سیروس

مهر گیت با هدیه خیمه ها

بقیه از صفحه اول

های خونین و در پردی قوم یهود سبب شد که یادگارهای تاریخی مانجه‌های اجتماعی و سیاسی خود را از دست بدهد و فقط جنبه خشک مذهبی آن که امروز بملت بعضی تفسیرها و تعبیرهای بی مورد خسته کننده شده است باقی بماند عید « سوکت » را امروز فقط بیاد « سایه ابری » بر قرار میکنند که در وقته طی بیابان های سوزان سینا و عربستان از منبع فیض بیکران خدای تعالی بر سر قوم اسرائیل افکنده میشود

فلا مباحثی که در این باره از لحاظ مذهبی میکنند مورد گفتگوی مانجه‌ها و جنبه تقدس آنرا به لای روحانی واگذار میکنیم فقط قسمت اجتماعی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهم تاریخ « سوکت » گذشته از اینکه رشته‌هایی از مبارزات طبقه محروم را علیه ظالمین و غارتگران و غاصبین اجتماعی در بر دارد یکی از سه زمان مشخصی است در سال که (در موقع استقلال) افراد اسرائیل برای ادای فریض مذهبی مجبور بودند در محل مقدس با هدایای حاضر شوند

در آن روزها پیشوایان و رهبران قوم مردم را بدالت و خدمت‌گذاری بجامعه و توجه بانصاف و حقیقت توصیه میکردند

واقعا میتوان گفت این روزها فقط برای ایجاد وحدت بین مردم و هدایت قوم برادر است و مبارزه برضد هر گونه جور و ستمی بود

قابل توجه اینکه در مورد تقدیم هدایا میزان معینی در نظر گرفته نشده بود بلکه برای اینکه کلیه افراد قوم از نیازمندان و بی نیازها بتوانند در اجتماع ملی خود شرکت کنند سفارش شده بود « ارزش یک مشت آرد شخص مستمند باندازه رأس گاو توانگر است » در واقع در آن زمان روح بیگانگی و وحدت را در اشخاص تقویت نمیشودند و برای عموم مشخص میشد در مقابل حق و عدالت و در برابر وظایف و سنن اجتماعی فرق طبقاتی و تفاوت بین غنی و فقیر مراعات نمیشود و همه یکسان هستند ، بهمین ترتیبی که از شخص ثروتمند استقبال میشود از نیازمندی هم میشود

این نکته ما را بیک سابقه عدالت تاریخی متوجه مینماید با وجود عدم ر ایل رابطه کافی بین نقاط مسکونی و با وجود عقب بودن سطح تفکر و میزان تمدن آن روزی و نبودن دانش و معرفت کافی اجتماعی ، مردم چند هزار سال قبل بی برده بودند که در برابر حقیقت و عدالت فرق طبقاتی مورد نظر نیست و همه در یک ردیف هستند

بقیه از صفحه اول

ثروتمندان خود را ممتازتر از محتاجان نمیدانستند و فقرا نیز بملت تنگدستی از نعمت فرد اجتماع بودن و بحساب آمدن محروم نبودند؛ ولی امروز با کمی دقت ملاحظه میشود همان اشخاصی که بنام اسرائیل بودن اجرای مراسم اعیانداران فریض میداند و عمل میکنند چگونه بدو دسته متضاد تقسیم شده‌اند و هر یک در قطب کاملاً مخالفی که کمترین هم آهنگی و هم رنگی بین آنها نیست قرار گرفته‌اند یک دسته در نهایت ناز و تنم ، سرشار از مواهب بیکران و سرمست از باده غرور با دیدگانی سرخ بدسته مخالف خود لبخند تمسخر آمیز میزنند و هر لحظه پای مقام و مسکن خود را برتر میکنند و خویشان را از سایر افراد اجتماع دور تر قرار میدهند و با کمال تفرعن و نخوت بادامه زندگی پر جلال و جبروت خود می پردازد

دسته دیگر هزاران بلکه صدها هزاران از مردم تنگدست ، نحیف و ضعیف و مریض و برهنه و گرسنه‌ای هستند که در تنگنای فقر و بیچارگی دست و پا می زنند و با دیدگانی بی فروغ و گونه‌هایی فرودرفته بانهایت حسرت آرزومند زندگی بر نعمت و باشکوه دسته مخالف خود مینگرند و آه میکشند

دسته اول را بدسته دوم اعتنائی نیست و گروه دوم را در صف گروه اول راهی نمیشاند

گروه دوم از همه جا رانده و از همه چیز محروم است

این دودسته در یک وقت و با هم با اجرای مراسم مذهبی اعیان خود می پردازند ، اولی بنام مذهب و برای تظاهر بربنداری فقط بمنظور وسیع کردن میدان خوشگذرانی و درک بیشتر لذات عیش و نوش ، دومی بامید جلب ترحم خدای متعال برای رهایی از چنگال فقر و مذلت ، غافل از اینکه خدای متعال را نه با اولی سر محبت زیاده از حدی است و نه با دومی سر کینه و رزی و دشمنی است بلکه بابک حساب دقیق و کمی تمعق این گروه محروم همیشه نیازمندی خواهد بود که در نتیجه اقدامات بی رویه و ریاکاری دسته اول اوضاع طوری شده است که ثروت و نعمت و حقوق ملیونها فرد محروم بسمت ظالمان و غارتگران سرازیر شود و برای افعال مردم نیازمند و زحمتکش و بی نصیب اجتماع تمام مظاهر حقیقت و مقدمات و مذهب و رسوم و آداب و سنن ملی و اجتماعی آلت دست گروه اول شده است و میگویند خدا خواسته است که آن یکی سعادت مند شود و آن دیگری تیره روز ، لای تقییر باطل ، زیرا در برابر خدای متعال افراد بشر یکسانند چنانکه در بالا گفته شد « یک مشت آرد شخص

بالاخره تکلیف

بقیه از صفحه اول

که مرحوم (راب‌نیم) پایه آنرا گذاشته بود تبلیغ کردند

چون ایشده از متازین اجتماع نبودند و از طبقه متوسط و کاسب و کارگر بودند و کفش و لباس بعضی از آنها کهنه و باره بود در کشان در رای دادند برای انتخاب «جسرا» بنظر توانگران و طبقه درجه اول گران آمد و از ترس اینکه مبادا فردی از آن کهنه لباسها و باره کفشها « قدم در امور اجتماعی گذارد و به «کریسهای متاز» منمین نزدیک شود تلقین ها بکار افتاد دید و بازدید ها و ملاقاتها شروع شد سر جنبانان برای راهائی مقام خود از «شر» آن پا برهنه ها ، بدست و پا افتادند و آفتاب کوشیدند تا انتخابات را بهم زدند و جریان را بشکل عادی بر گردانند

اقدام جوانان فسال و شرکت آن «سر و پا برهنه ها» در امر انتخابات تا اندازه‌ای تاثیر خود را در آقایان ذی مقام و قابل صدارت ، بخشید و مدتی آن ها را بکار و کوشش وادار نمود

ولی مدتی است که «خطر» اقدامات جوانان و «کفش و لباس پاره ها» از آستان بلند مرتبت مقدس صدر نشینان ، ما دور شده است باز همان حالت فطری و طبیی آنها یعنی «بیعالی» ، غفلت ، بی اعتنائی به آنها رو آورده است و وضع ویران اجتماع را بدست تباهی سپرده و خود را در سایه تنم و استراحت پناه داده‌اند

با ادامه این روش بالاخره چه خواهد شد ؟ آیا جریانات اجتماعی و تحولات و تغییرات و پیشرفت تمدن و توسعه افکار دروغ میشود ؟

آیا میتوان حقایق را نادیده گرفت و تصور کرد همه چیز خود بخود درست میشود ؟

آیا ممکن است بدون دخالت اشخاص در سرواوش خود و بدون داشتن نقشه و اراده و تصمیم و عمل و کوشش آینده جامعه‌ای رو بسعادت و نیکی بخشی رود ؟

آیا با هستی همیشه خطر و تهدیدی ما را تکان دهد ؟ آیا خود ما نباید به وظیفه اجتماعی خویش آشنا باشیم ؟

سیر تکامل و تحولات و تغییرات در اجتماع طولمار گذشته را با خصوصیاتش درم پیچیده است و جز بنوعی تاریخ و گرفتن عبرت با گذشته کاری نداریم گذشته کهنه شده است باید بفرآینده بود ، مقتضیات دنیای کنونی اجازه از هم کسب بخشی و باشی کی اجتماعات را نمیدهد تحولات اجتماعی که تابع قوانین جبری طبیعت است سرواوش افراد جامعه را بهم پیوستگی داده است

امروز دیگر نمیتوان خود را از جامعه مجزا نمود و نسبت بدیگران بی اعتنا و بیهم ماند

فساد و تباهی که در نتیجه غفلت و سستی مسئولین کم کم سراغ جامعه ما میاید شامل حال عموم خواهد بود ، آنهاست که تصور میکنند در سایه نعمت سرشار و در آغوش تول و با وضع رضایت بخش خود از مرآت و بلا و انحطاطی که نصیب سایر افراد جامعه میشود مصون هستند سخت در اشتباه میباشند زیرا روابط اجتماعی و مناسبات موجوده در بین مردم از اعلاط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طوری است که کسی نمیتواند دور از مردم و بیخبر از حال توده های محروم بسر برد

بقیه از صفحه اول

خوشبختی و تمبیکه در اجتماع و در اثر بکار رفتن نیروی هزاران فرد نصیب کسی شده است دارند آن نباید خود را غافل و دور از اجتماع - پرورنده خویش - نگه دارد

چرا توانگران و متسکین و تواناها و نیرومندان جامعه ما بفرستند ؟ چرا همه را خواب گرفته و توجهی به آینده ندارند ؟

چرا وسعت اجتماع و جلو رفتن افکار و احتیاجات و مطالبات طبیعی جامعه را بنظر نیآورند ؟

چرا توجهی بوضع رقت بار برادران خود در شهرستانها نمی کنند ؟

چرا نسبت به حیثیت و آبروی ملی خود اعتنائی ندارند ؟ مگر تحریکات و انعکاس سوء آن و باشی کی اوضاع داخلی و ویرانیهای موجوده را نمیشوند و نمی بینند ؟

مگر نمیدانند همکیشان ما در شهرستانها چشم بجامه اسرائیل تهران دوخته‌اند و منتظر اقدامات مترقیانه آنها هستند ؟

بودن یک عنوان از انجمن کلیمیان و چند دسته خود مختار بی نقشه و بی تاکتیک جواب احتیاجات یکصد هزار نفر را نمیدهد ، فقط آساید شدن یک باب مدرسه «اتحاد» تهران کافی برای تربیت و تعلیم ده‌ها هزار طفل و یلان و بی سرپرست نیست

همانطور که بارها گفته ایم ، مقتضیات امروز ، وجود یک سازمان وسیع را ایجاب میکند که بتواند جواب عملی مقنی به مطالبات و احتیاجات جامعه کنونی ما را بدهد

اگر مانند سال گذشته افراد توده مردم بسوء آمده خودشان بخواهند برای بهبود وضع خود اقدامی کنند ، نمی گذارند ؛ اگر مردم ساکت و آرام به نشینند و منتظر عمل و کوشش آقایان متصدیان باشند از کار و اقدام آنها خبری نیست ؛ پس تکلیف این مردم محروم و «سر و پا برهنه» چیست ؟

آیا باید تا ابد با محرومیت بسر برند ؟ آیا حق بر خورداری از حقوق اجتماعی خود را ندارند ؟

آیا تمدنی در میان است ؟

برای فلج کردن پایه امور آن دیگری «بپا نه‌های بیپوده‌ای» مهربرا را مدت‌هاست توقیف کرده است و منتظر آمدن بادستور «نایب‌مجلس» است شاید نماینده نخواست بیاید یا دستوری بدهد پس چاره چیست ؟

آن دیگری ، چون نامش مقدم بر نام دیگران نیست کارشکنی میکند

آیا باید گذاشت که تباهی و فساد شدت خود برسد ؟

اگر روزی همان «سر و پا برهنگان» و همان «کفش و لباس پاره ها» برای سر و سامان دادن به بیسامانی خود و رهایی از بیعالی و تن پروری مسئولین امر روزی از جا بر خاستند و بانتهای جبری قانونی و انتخاباتی صحیحی اقدام نمودند آن آقایان یکده درسال گذشته دست و پای خود را کم کرده بودند جن دخالت و تفرص نخواهند داشت

رائول والنبرک پهلوان

بوداپست

بقیه از شماره پیش



باقدمهای محکم و مطمئن به هاراطی و گستاخانه به اسرمر بوطه آلمانی خطاب کرد که مگر هر هویتن نمیدانند که اکثرین یهودیان تحت حمایت دولت سوئدی باشند ؟ از چهره زرد این یهودیان محکوم که گوسفند وار درواگن های کثیف و متلن فشرده شده بودند آثار یاس و کسالت خوانده میشد و هیچگاه این نوید جان بخش بغاظرشان رسوخ نکرد بود که موجودی در این لحظه باریک به فکرایشان بوده و از پرتگاه مرگ و نیستی آنها را نجات بخشد

والنبرک مظفرانه خود را بوسط واگن رسانیده و فریاد زد « کدامیک از یهودیان گذر نامه سرپرستی دولت سوئد را در دست دارند ؟ » موقتی که مطمئن شد که اسر مسئول زبان مجارستانی نمیداند با کنایه و اشاره یهودیان نهماند برای رهایی آنها آمده و لازمست بسارع وقت ایستگاه ارتکوب عملی که قبلا بدین منظور تهیه شده است رهسپار گردند و خود باعجله اوراق مالیات بر در آمد حمل و نقل ، رسید کارت دعوت و حتی گراهی نامه تلقیح آبله را که بزبان مجارستانی تهیه کرده بود بمنوان گذر نامه موقتی سرپرستی دولت سوئد جازده و بین آنها تقسیم نمود

اکنون وظیفه ۳۰۰ نفر کارمندان وی بود که باشتاب گذر نامه های رسمی دولت سوئد را تنظیم و در دسترس آنها بگذارند ، این نکته را نباید فراموش کرد که فعالیت های بی باکانه و خون سردانه والنبرک هیچگاه از نظر افراد متمصب گشتاپو و گروه آلمانی « آرو-کراس » دور میشد و نامبردگان بااطلاع از اینکه قتل يك مامور سیاسی بیطرف چه عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت هر آن با سدها و دامهای خطرناکی که در سیر راهش ایجاد مینمودند اور به خطرات جانی تهدید مینمودند

جاسوسان زبردست آلمانی چندین اوبت اتومبیلش را دزدیده و مخفیانه بشقیبش میبرد و گاهی اتفاق میافتاد که در غیابش محل کار ویرا بازرسی و تمام مدارک و اسناد او را نابود مینمودند ولی این اشکالات هرگز مانع پیشرفت کار این جوان دیپلمات نمیشد و او با تویض دومی محل کارش از همه این دام ها سالم جسته و عاقلتر از آن بود که بهانه‌ای بدست صال خونخوار آلمانی داده و بیای خود به تله آنها بیفتد

والنبرک برای جلوگیری از خراب کار بهای آلمانها و غننی نمودن فعالیت مغلی جاسوسان کشت و کشتار یهودیان و اجرای طرحهای مدبرانه خویش اقدام بششکل سازمان مقاومت منفی و ضد جاسوسی برداشته داری نموده و افراد لدائی آنرا با اولیفرم دزدیده شده کشتاپو واسلحه مخصوص ارو کراس مجهز نموده بود

لدایان مد کور یهودیان را از دست گروه « اس اس وارد کراس » نجات و حتی از سر باز خانه هاروژنده انهای شهر بانی پایتخت ، کارخانه ها و مراکز حمل و نقل و تبهده گاهها میدزدیدند

הרומה גאמע סליחות
וחפסיר כאמל כל ישראלי
קימת הר גלד בית
וקיום שנת התש"ח
או טבע כארץ שרח בפרוש מירסד
טאלבין כח
גאמפאנה שאהין טהראן
ליאבאן בורנסהרי סראי אספندیاری
טראנקעה פרסائیور
ספארשאח او ולאيات קبور سيشور